

## Sexuality Change and its Criminal Effects

Fatemeh Azimi

Faculty of Law, Payame Noor University, Zanjan, Iran

Article Info	Abstract
Received: 24 Jun. 2017	Sexuality change is one of the important issues that have led to the emergence of new legal and criminal issues that have never been before. If a person commits a crime in accordance with sex change regulations and has committed a crime before the change, but the sentence has not been issued or has been issued, but not enforced, will the sexuality change affect the punishment of the offenses in question? In spite of the fact that the legislator in the Islamic Penal Code on various materials, wherever he was the subject of an offense and committed a crime, refers to anyone who, or any man and every woman, has the same distinction in the subject and the perpetrator crime is not gender-based. On the other hand, there are also offenses that, due to the type of crime, the subject of the offense is only one of the two males or females, so that if the subject changes one of the males to females or vice versa, the type of crime committed and its punishment has also changed, and sometimes even the criminal character of action is lost. The purpose of the present research is to respond to the criminal effects of sexuality change in light of the legislator's silence and the lack of explicit legal clarification on gender change. The method of research is an analytical and descriptive method, which is done by studying books, articles and consulting with lawyers and specialist doctors. This study, with jurisprudential and legal review, led to the conclusion that what is important is the importance of gender in the crime at the time of committing a crime, even if his sex after the crime was changed.
Accepted: 16 Apr. 2018	
Published Online: 5 Jun. 2018	
DOI: 10.30699/epub.sjfm.24.1.34	
Review Article	<p><b>Keywords:</b> Crime, Punishment, Sexuality change, Physician.</p>
<b>Corresponding Information:</b>	Fatemeh Azimi, Faculty of Law, Payame Noor University, Zanjan, Iran. Email: fatemeh.azimi1396@yahoo.com / Tel: +98-2188791220
Copyright © 2018, Ir J Forensic Med. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.	
How to Cite This Article:	
Azimi F. Sexuality Change and its Criminal Effects. Ir J Forensic Med. 2018; 24(1): 34-46	

## تغییر جنسیت و آثار کیفری آن

فاطمه عظیمی

هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، زنجان، ایران

### چکیده

### اطلاعات مقاله

تغییر جنسیت ارادی یکی از موضوعات مهمی است که موجب پیدایش مسائل جدید حقوقی و کیفری شده که تاکنون سابقه نداشته است. اگر فردی مطابق مقررات تغییر جنس بدهد و قبل از تغییر، مرتكب جرمی شده باشد، ولی هنوز حکم مجازات در مورد وی صادر نشده باشد یا این که صادر شده ولی به اجرا در نیامده باشد، آیا تغییر جنسیت تأثیری بر جرایم یا مجازات وی خواهد داشت یا خیر؟ با این وصف که قانون گذار در قانون مجازات اسلامی در مواد مختلف، هر جا که در مقام بیان فاعل و مرتكب جرم بوده از عبارت هر کس، کسی که، و یا هر و هر زنی نام برده و به این ترتیب تفاوتی در فاعل و مرتكب جرم از جهت جنسیت قائل نشده است؛ از طرفی جرایمی نیز وجود دارد که به دلیل نوع جرم، فاعل جرم فقط یکی از دو جنس مذکر و یا مؤنث می‌باشد به طوری که اگر فاعل یکی از جرائم از جنس مذکور به مؤنث یا بالعکس تغییر پیدا کند، نوع جرم ارتکابی و مجازات آن نیز تغییر پیدا کرده و حتی گاهی وصف مجرمانه عمل نیز از بین می‌رود. هدف تحقیق حاضر پاسخ به آثار کیفری تغییر جنسیت با توجه به سکوت گذار و فقدان نص صریح قانونی در خصوص تغییر جنسیت می‌باشد. روش تحقیق، روشن تحلیلی و توصیفی است که با مطالعه کتب، مقالات و مشاوره با اساتید حقوق و پژوهشگران متخصص صورت گرفته است. این پژوهش با بررسی فقهی و حقوقی موضوع به این نتیجه رهنمون شد که آنچه مهم است جنسیت جانی و مجنی علیه در زمان ارتکاب جرم بوده هر چند جنسیت وی بعد از ارتکاب جرم تغییر یابد.

کلید واژه: جرم، مجازات، تغییر جنسیت، پزشک.

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۷

انتشار آنلاین: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

### نویسنده مسئول:

فاطمه عظیمی

هیئت علمی گروه حقوق، دانشگاه

پیام نور

### تلفن:

۰۲۱۸۸۷۹۱۲۲۰

### پست الکترونیک:

Fatemeh.azimi1396@yahoo.com

## مقدمه

طبق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، تمامی افعال مباح و مشروع هستند مگر اینکه قانون‌گذار آن اعمال را جرم دانسته و با مجازات روپردازد. حق تعیین حد فاصل بین رفتار مشروع و نامشروع بر عهده قانون‌گذار است و قضی کیفری بدون وجود قانون لازم الاجرا، نمی‌تواند عملی را جرم تلقی و مرتكب آن را مجازات کند، حتی مقتن نیز حق ندارد اعمال گذشته افراد را مشمول عنوان مجرمانه‌ای که در قانون جدید مطرح شده است، قرار دهد.<sup>(۱)</sup> حال سوالی که در مطرح می‌شود این است که آیا تغییر جنسیت با احراز شرایط، جرم است یا نه؟ در صورتی که کسی شرایط لازم را برای تغییر جنسیت نداشته باشد و به آن اقدام کند، چطور؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که به موجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود». این ماده، بیان کننده اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست.

مسلم است در قوانین موضوعه، نصی وجود ندارد که تغییر جنسیت را جرم محسوب کرده باشد. هم چنین مطابق اصل ۳۷ قانون اساسی ایران: «اصل بر برائت است و حکم به مجازات و اجرای آن تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون، ممکن خواهد». با عنایت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، انجام دادن هر رفتاری توسط افراد مباح است و جرم تلقی نمی‌شود، هرچند که خلاف اخلاق یا مضر به مصالح عمومی و مخل نظم باشد، مگر این که قانوناً برای آن مجازات تعیین شده باشد.<sup>(۲)</sup>

در رویه متقاضیان تغییر جنسیت از طریق معاونت سرپرستی قوه قضائیه به پزشکی قانونی معرفی می‌شوند. با طرح موضوع در کمیسیون روان‌پژوهی پزشکی قانونی و بعد از انجام مشاوره‌های متعدد با بیمار، چنانچه براساس ارزیابی‌های روان‌شناسی، فرد مبتلا به اختلال هویت جنسی یا به عبارت دیگر ترانس سکسual تشخیص داده شود، در صورت تأیید انجام عمل جراحی به عنوان یکی از روش‌های درمانی، صورت جلسه کمیسیون به مرجع معرفی کننده ارسال می‌گردد و مرجع مذکور اقدام به صدور مجوز قانونی برای انجام عمل جراحی تغییر جنسیت از مذکر به مؤنث یا بالعکس می‌نماید. در این صورت بیمار مجاز خواهد بود به جراح مراجعه کند و پزشک نیز می‌تواند بعد از احراز هویت و اخذ رضایت از شخص، اقدام به جراحی و تغییر جنسیت وی نماید. با توجه به این که عمل جراحی بدین منظور بر روی بیمار انجام می‌شود که شخص از زمرة یکی از دو جنس خارج و به جنس دیگر ملحق شود. بنابراین اگر پزشک بتواند با موفقیت جنسیت فرد را از طریق عمل جراحی تغییر دهد، این تغییر به صورت مجاز و موفق خواهد بود.

## مواد و روش‌ها

از آن جایی که قانون مجازات اسلامی نسبت به آثار کیفری تغییر جنسیت ساخت است، در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است که با استفاده از روش‌های استدلالی و با دخالت استنتاج‌های عقلی همراه با تحلیل‌های فقهی و حقوقی به بررسی موضوع بپردازد. روش تحقیق، روش تحلیلی و توصیفی است که به مطالعه کتب، مقالات و مشاوره با استاید حقوق و پژوهشان متخصص صورت گرفته است.

## بحث

اگر شخص تغییر جنس داده و قبل از تغییر جنسیت مرتكب جرمی شده باشد، ولی هنوز حکم مجازات در مورد وی صادر نشده باشد یا این که صادر شده ولی به اجرا در نیامده باشد، آیا تغییر جنسیت تأثیری بر جرایم مجازات وی خواهد داشت یا خیر؟ با توجه به این که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی در مواد مختلف، هر جا که در مقام بیان فاعل و مرتكب جرم بوده از عبارت هر کس، کسی که، و یا هر مرد و هر زنی نام بده است به این ترتیب تفاوتی در فاعل و مرتكب جرم از جهت جنسیت قائل نشده است. اما جرایمی نیز وجود دارد که به دلیل نوع جرم، فاعل جرم فقط یکی از دو جنس مذکور و یا مؤنث می‌باشد به عبارت دیگر، جرایمی وجود دارند که مرتكب آن‌ها نه هر کس به معنای فردی از جنس مذکر یا مؤنث، بلکه با توجه به نوع جرم، یا جنس مذکر و یا جنس مؤنث می‌باشد، به طوری که اگر فاعل یکی از جرائم از جنس مذکر به مؤنث یا بالعکس تغییر پیدا کند، نوع جرم ارتکابی و مجازات آن نیز تغییر پیدا کرده و حتی گاهی وصف مجرمانه عمل نیز از بین می‌رود. از آن جایی که از منظر فقهی و حقوقی جرایم به لحاظ تقسیم بندی شامل حدود، قصاص، دیات و تعزیرات می‌باشند، در این تحقیق هم با توجه به این موضوع به بررسی تأثیر تغییر جنسیت با توجه به نوع جرایم و مجازات‌ها می‌پردازیم.

### ۱- تغییر جنسیت و تأثیر آن در جرایم مستوجب حد

ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حد را تعریف کرده است.<sup>۱</sup> در میان انواع حدود، جرایمی وجود دارند که از جهت فاعل جرم تنها به یک جنس تعلق دارند مثل لواط، مساحقه، یا در مواردی مجازات جرم واحد نسبت به جنس زن و مرد متفاوت است و در واقع نسبت به یک جنس شدید است، مثل ماده ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «مردی که همسر دایم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتكب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است». یا مطابق ماده ۲۴۳ این قانون: «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید

۱. حد مجازاتی است که موجب نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.

است و ایستاده، حد را اجرا می‌کنند. در مورد حد رجم نیز، کیفیت اجرا باید با در نظر گرفتن جنسیت فعلی باشد. لذا نمی‌توان جنسیت زمان ارتکاب جرم یا ثبوت آنرا ملاک برای اجرای حد دانست؛ زیرا زن بعد از تغییر جنسیت به مرد، از احکام زنان خارج شده و مشمول احکام مردان خواهد بود و همین طور مرد بعد از تغییر جنسیت به زن. (۳)

مسئله دیگر مربوط به جرم قذف می‌باشد؛ طبق ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قذف نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگری است که این عمل مستوجب حد می‌باشد به طوری که براساس ماده ۲۵۰ حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن ۸۰ تازیانه است، که اجرای حد منوط به مطالبه مقدوف می‌باشد.

یکی از شرایط اثبات قذف، این است که قاذف، پدر یا جد پدری مقدوف نباشد؛ بنابراین پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند براساس ماده ۲۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد. دلیل مستثنی شدن پدر از عموم کیفر قذف، خبر صحیح محمد بن مسلم است که می‌گوید: از امام محمد باقر (ع) پرسیدم از مردی که فرزندش را به زنا قذف کرده است، فرمودند اگر فرزندش را بکشد، کشته نمی‌شود و اگر قذف شود کند حد قذف نمی‌خورد. (۴) حال این سوال مطرح می‌شود که چنانچه پدری قبل یا بعد از قذف فرزندش تغییر جنسیت دهد آیا مشمول ماده ۲۵۹ شده و فقط تعزیر می‌شوند یا خیر؟ در جواب باید گفت که عنوان پدری و مادری مربوط به زمان انعقاد نطفه می‌باشد؛ یعنی پدر کسی است که فرزند از نطفه او به وجود آمده است و این عنوان بر او صدق می‌کند حتی اگر جنسیتش تغییر یابد و بعد از تغییر جنسیت مرد، باز هم به وی پدر فرزندانش گفته می‌شود و اگر فرزند وی بگوید که «پدر من همین زن است جز این که وی پیش از این مرد بوده و اکنون زن شده» سخن او درست است و هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند. (۵) لذا عنوان پدر در حال حاضر نیز حقیقاً بر او صدق می‌کند از باب صدق مشتق پیش از این متصرف بوده است. در نتیجه پدر تغییر جنسیت داده قبل یا بعد از قذف فرزندش، هم چنان مشمول ماده ۲۵۹ قرار می‌گیرد؛ علاوه بر این یکی دیگر از دلایلی که این حق را برای پدر تغییر جنسیت داده به اثبات می‌رساند حق مکتبه پدر می‌باشد که به موجب جنس سابق این حق را کسب کرده است که در زمان تحقق و ایجاد حق، طبق قانون صالح صلاحیت داشته و با رعایت تمام شرایط تحقق آن کاملاً محقق شده است. بنابراین این حق، حق است که شخص قبل از تغییر جنسیت به لحاظ جنسیت سابقش به طور قانونی به دست آورده است. (۶) به طوری که تغییر جنسیت وی این حق را نفی نمی‌کند و هم چنان به قوت خود باقی است؛ همان‌گونه که نظریه مشورتی شماره ۷/۶۷۹۱ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۴ در این زمینه مقرر می‌دارد: «فردی که مشخصاً مرد یا زن است و دارای آلت تناسلی خود می‌باشد

تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.»

حال چنانچه مرد یا زنی، مرتکب یکی از جرائم مستوجب حد شوند و تمام شرایط ثبوت حد نیز وجود داشته باشد، لکن تمامی مجازات‌های مذکور به اندازه‌ای به تأخیر افتاد که مرتکب از جنسیت زمان ارتکاب و ثبوت جرم خارج شود، آیا در چنین صورتی حد ساقط می‌شود یا خیر؟

در پاسخ به سئوال فوق، دو حالت را می‌توان در نظر گرفت:

حالت اول: این که جنسیت زمان ارتکاب جرم را ملاک و مبنای برای اجرای حد در نظر بگیریم و دلیل آن را نیز استصحاب کنیم و اگر مرد یا زن بعد از ارتکاب لواط یا مساحقه و ثبوت آن، جنسیت خود را تغییر دهند، تغییر مؤثر در حد نبوده و حد ساقط نمی‌شود؛ البته در سایر حدود مثل زنا، شرب خمر و ... تغییر جنسیت از زن به مرد یا بالعکس هیچ تأثیری در سقوط مجازات ندارد و پس از تغییر جنسیت، حدی که ثابت شده اجرا خواهد شد.

حالت دوم: جنسیت جدید، ملاک و مبنای برای اجرای مجازات حد باشد؛ در چنین صورتی با توجه به متفاوت بودن مجازات حدی بین زن و مرد در جرم واحد مثل قوادی و مجازات مرد متأهل قبل از دخول، که مرتکب زنا شده باشد، یا زمانی که جرم واحد فقط از یک جنسیت مثل لواط و مساحقه قابل تحقق است، در این موارد می‌توان قائل به جاری شدن قاعده «درآ» بوده و مجازات فرد را در جنسیت جدید منتظر دانست.

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد، مربوط به کیفیت و نحوه اجرای حد است؛ چرا که قانون گذار در آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق مصوب ۱۳۸۲، در خصوص کیفیت اجرای حد در خصوص زن در ماده ۳۲ مقرر داشته: «اجرام حد محکومین اثاث به نحو نشسته و بالباسی که بدن آن‌ها بسته باشد اجرا می‌شود». در خصوص مردان هم در ماده ۳۳ این قانون بیان می‌دارد: «شلاق‌های حدی محکومین ذکور به نحو ایستاده اجرا می‌شود و در حد زنا و تغذید و شرب خمر در حالی است که پوشانکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و در حد قوای و قذف از روی لباس معمولی اجرا می‌شود». حال با تغییر جنسیت در مرد به زن یا بالعکس، نحوه اجرای حد به چه صورت خواهد بود؟

در پاسخ به سئوال فوق، کیفیت اجرای حد مبتنی بر جنسیت فعلی خواهد بود. بدین معنا که هر گاه حد جلد ثابت شده باشد و مرد به زن تغییر جنسیت دهد. کیفیت اجرای حد به همان حالتی است که در ماده ۳۲ آیین نامه نحوه نشسته احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق مصوب ۱۳۸۲ برای زن در نظر گرفته شده است، یعنی او را در حالت نشسته و در حالی که لباسی بر تن دارد تازیانه می‌زنند و اگر زن بعد از ثبوت حد به مرد تغییر جنسیت دهد او را در حالی که برنه

- الف) وقوع جرم قبل از تغییر جنسیت به مرد بوده باشد.
- ب) وقوع جرم قبل از تغییر جنسیت به مرد بوده ولی حکم به مجازات و اجرای آن بعد از تغییر جنسیت صورت گیرد.
- ج) وقوع جرم بعد از تغییر جنسیت به مرد باشد. در ذیل به تبیین هریک از موارد فوق می پردازیم؛
- الف) وقوع جرم قبل از تغییر جنسیت به مرد در صورتی که زن قبل از تغییر جنسیت به مرد، مرتکب جرمی شود و حکم به مجازات آن نیز صادر شود در این صورت، وی مشمول وضعیتی می شود که در زمان ارتکاب جرم دارای آن وضعیت بوده است یعنی جنسیت زمان ارتکاب جرم و صدور حکم ملاک و مبنای برای اجرا مجازات خواهد بود. (۸)
- بنابراین چنانچه جرم قبل از تغییر جنسیت صورت گیرد و حکم به قصاص یا پرداخت دیه نیز قبل از تغییر جنسیت به مرد صادر شود، زن مشمول احکام زنان بوده و حکم به عنوان یک زن اجرا می شود و نیز وضعیت همین گونه است در صورتی که زن قبل از تغییر جنسیت به مرد مجنی علیه واقع می شود. (۹)
- ب) وقوع جرم قبل از تغییر جنسیت به مرد و حکم به مجازات بعد از تغییر جنسیت به مرد ممکن است زن قبل از تغییر جنسیت به مرد مرتکب جنایتی شود و یا این که دیگری جنایتی را بر وی قبل از تغییر جنسیت وارد نماید و زن قبل از صدور حکم یا اجرای مجازات جنسیت خود را به مرد تغییر دهد. در ذیل به بررسی احکام هر یک از آنها به صورت جداگانه می پردازیم؛
- ۱- ب) جانی واقع شدن زن قبل از تغییر جنسیت به مرد اگر زن قبل از تغییر جنسیت به مرد، مرتکب جنایتی شود، برای مثال مردی را به قتل رسانده باشد و قبل از این که مجازات در حق وی اجرا گردد، تغییر جنسیت داده و مرد شود حکم آن پس از تغییر جنسیت تفاوتی ندارد و زن در مقابل مرد قصاص می شود، گرچه جنسیت فعلی قاتل، مرد باشد.
- اگر زنی قبل از تغییر جنسیت به مرد، زنی را به قتل برساند، سپس تغییر جنسیت داده و مرد شود و حکم مجازات وی قصاص باشد، در این فرض با توجه به این که اکنون مرد می باشد باید مزاد دیه به وی رد شود یا خیر؟ در اینجا دو نظر وجود دارد:
- ۱- بعضی بقاء حکم اول (یعنی عدم رد چیزی به مرد) را استصحاب می کنند یعنی این که در زمان ارتکاب جرم زن بوده، پس احکام زنان در مورد وی اجرا خواهد شد نه احکام مردان.
- ۲- نظر دیگر این است که قصاص مرد در مقابل زنی که مجنی علیه واقع شده است و باید در قبال قصاص به وی چیزی رد گردد، اطلاق دارد. بنابراین، این حالت بعد از تغییر جنسیت را نیز شامل می گردد، یعنی باید در قبال قصاص به وی چیزی

تصمیم به تغییر جنسیت بگیرد و پزشکان امکان آن را تایید نمایند اینامر در قوانین منع نشده است، لیکن چون آثار حقوقی فراوانی را دارد باید گفت در صورت تغییر جنسیت، این امر تاثیری در حقوق ثابت ندارد و آنها را جزء در مواردی از قبیل بطلان ازدواج و حلیت و حرمت تغییر نمی دهد»، بنابراین با توجه به دلایل ذکر شده، پدری که قبل یا بعد از قذف فرزندش تغییر جنسیت می دهد هم چنان مشمول ماده ۲۵۹ قرار می گیرد و دلیلی برای نفی این حق پدر تغییر جنسیت داده وجود ندارد. (۷)

**۲- تغییر جنسیت و تأثیر آن در جرایم مستوجب قصاص**

قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۴ قصاص را به عنوان یکی از انواع مجازات‌های مقرر در قانون نام برد و سپس در ماده ۱۶ آن را تعریف می نماید.<sup>۸</sup> براساس ماده ۳۰۱ و ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی، قتل عمد مستوجب قصاص است و قاتل در قتل عمد، قصاص می شود و در این خصوص، یعنی نفس مجازات قتل عمد و مسئولیت جزایی قاتل، میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و تفاوت در شرایط و کیفیت استیفاء قصاص میان زنان و مردان است که در ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است.

در ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی بیان شده است: «هرگاه زن مسلمانی عمدتاً کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می شود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آنها لازم است».

این ماده اگرچه ظاهرآ حاکی از آن است که ولی یا اولیاء دم زن مقتول، حق دارند مانند اولیاء دم مرد مقتول، قصاص قاتل را مطالبه کنند اما این حق مشروط به یک شرط است؛ این که پرداخت نیمی از دیه مرد قاتل از سوی اولیاء مقتول، آن هم مقدمتاً و قبل از قصاص باشد. به این ترتیب قصاص، اعم است از قصاص نفس و قصاص اعضاء.

ماده ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد». بنابراین قطع عضو یا جرح آن نیز، اگر عمدی باشد مبادرت ورزد. در ادامه به تغییر جنسیت و تاثیر آن بر مجازات قصاص می پردازیم.

#### ۱-۱. تغییر جنسیت از زن به مرد

در تغییر جنسیت از زن به مرد، ممکن است ارتکاب جرم و حکم به مجازات آن به سه صورت زیر اتفاق بیفتد.

۱. قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می شود.

احکام مردان بوده و حکم مرد را خواهد داشت.

#### ۱-۲. تغییر جنسیت از مرد به زن

در تغییر جنسیت از مرد به زن نیز همانند حالتی که زن به مرد جنسیت می‌دهد، ممکن است ارتکاب جرایم مستوجب قصاص نفس یا عضو در سه حالت اتفاق بیفت.

الف) زمانی است که مرد قبل از تغییر جنسیت به زن، مرتكب جرم مستوجب قصاص شده و حکم به مجازات هم قبل از تغییر جنسیت به زن صادر شده باشد.

ب) زمانی است که مرد قبل از تغییر جنسیت به زن، مرتكب جرم شده و حکم به مجازات، بعد از تغییر جنسیت به زن صادر شده است.

ج) مرد بعد از تغییر جنسیت به زن مرتكب جرایمی می‌شود که مستوجب قصاص نفس یا عضو است.

فقهای امامیه بر این عقیده هستند که هر گاه مردی عمداً زنی را به قتل برساند قصاص می‌شود و اولیاء دم مقتوله باید نصف دیه قاتل را به او بپردازند. هم چنین معتقدند که اگر زنی، مردی را به قتل برساند اولیاء دم مرد می‌توانند قاتل را قصاص کنند و لازم نیست چیزی به قاتل پرداخت کنند.<sup>(۶)</sup>

الف) وقوع جرم قبل از تغییر جنسیت به زن

ممکن است مرد قبل از این که جنسیت خود را به زن تغییر داده باشد مرتكب جرمی شود که مستلزم قصاص یا دیه است. در این صورت حکم صادره در مورد وی چه دیه باشد یا قصاص و غیر آن اجرا خواهد شد و در این مورد بحثی وجود ندارد.<sup>(۷)</sup>

بنابراین اگر مرد قبل از تغییر جنسیت به زن مرتكب قتل مرد دیگری شود، با مطالبه قصاص از سوی اولیاء دم مقتول، قاتل قصاص می‌شود، یا اگر مرد قبل از تغییر جنسیت به زن، مرتكب قتل زن دیگر شود، اولیاء دم مقتول حق قصاص قاتل را خواهند داشت ولی قبل از قصاص قاتل باید نصف دیه مرد را به او بپردازند. در قصاص عضو نیز زن و مرد برابرند تا زمانی که به ثلث برسد از ثلث به بعد دیه زن نصف دیه مرد خواهد شد. هم چنین است در مواردی که مرد قبل از تغییر جنسیت به زن مجنی علیه واقع شود چرا که قبل از تغییر جنسیت به مرد، احکام مردان در مورد وی اجرا می‌شود.

ب) وقوع جرم قبل از تغییر جنسیت به زن و حکم به مجازات بعد از تغییر جنسیت به زن

اگر مرد جرم را قبل از تغییر جنسیت به زن انجام دهد و لیکن حکم صادره اجرا نشود تا زمانی که وی تغییر جنسیت دهد، در چنین حالتی بنابر اصل استصحاب و اطلاق، احکام مردان در مورد آن زن جاری می‌شود، زیرا ارتکاب جرم در زمان مرد بودن وی صورت گرفته است. پس احکام مربوط به مردان شامل وی می‌گردد و برای تغییر وی به زن، امر قابل ذکری وجود ندارد و این امر تا حدودی شبیه حالتی است که جرم در

#### مسترد گردد.<sup>(۸)</sup>

۲- ب) مجنی علیه واقع شدن زن قبل از تغییر جنسیت به مرد

اگر زن قبل از تغییر جنسیت به مرد، مجنی علیه واقع شود در این حالت، مشمول وضعیتی می‌شود که در زمان ارتکاب جرم دارای آن وضعیت بوده است. بنابراین اگر در زمان ارتکاب جرم بر وی مستحق نصف دیه بوده است بعد از این که به مرد تغییر جنسیت داد اصل استصحاب و نیز اصله البرائة اقتضای عدم ازدیاد و اضافه شدن بر این مقدار را پس از تبدیل شدن به مرد می‌کند. به عبارت دیگر، زنی که قبل از تغییر جنسیت به مرد، مجنی علیه واقع شود و بعد از آن جنسیت خود را تغییر دهد و بعد از تغییر، حکم مجازات در مورد جانی صادر شود، در این حالت چون زن در زمان ارتکاب جرم بر وی مستحق نصف دیه بوده است، بعد از تغییر جنسیت نیز استحقاق وی به نصف دیه را استصحاب می‌کنیم و هم چنین اصل بر برأته ذمة جانی از پرداخت مزاد بر دیه، بعد از تغییر جنسیت مجنی علیه از زن به مرد خواهد بود.<sup>(۹)</sup>

ج) وقوع جرم بعد از تغییر جنسیت به مرد

اگر زنی جنسیت خود را به مرد تغییر دهد و بعد از تغییر جنسیت مرتكب یکی از جرایم مستوجب قصاص نفس یا عضو شود هیچ بحثی وجود ندارد که در صورت ارتکاب جرم بعد از تغییر جنسیت به مرد، از تمام جهات، حکم او همانند حکم مرد است و احکام مردان در قصاص نفس و عضو در مورد وی جاری خواهد شد. خواه جانی باشد خواه مجنی علیه.<sup>(۱۰)</sup> بنابراین اگر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد، مرتكب یکی از جرایم مستوجب نفس یا عضو بر مرد دیگر شود، اولیاء دم مقتول یا مجنی علیه می‌توانند با اذن ولی امر قاتل یا جانی را با رعایت شرایط مقرر در ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قصاص نمایند.

اما اگر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد، مرتكب یکی از جرایم مستوجب قصاص نفس یا عضو بر زن دیگر شود، اولیاء دم مقتول در صورتی می‌توانند قاتل را قصاص نمایند که مطابق با ماده ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نصف دیه قاتل را قبل از قصاص به وی پرداخت نموده باشند و در قصاص عضو، در صورت عمدی بودن، مجنی علیه می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در باب قصاص عضو و ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به قصاص جانی اعدام نماید.

چنانچه زن بعد از تغییر جنسیت به مرد مجنی علیه واقع شود به عبارتی مردی جنایتی را بر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد وارد نماید که مجازات آن قصاص عضو یا قصاص نفس باشد در چنین حالتی، اولیاء دم مقتول یا مجنی علیه می‌توانند قاتل یا جانی را با رعایت شرایط مقرر در باب قصاص قاتل یا جانی نمایند، بدون این که چیزی از جهت قصاص قاتل یا جانی به وی رد نمایند. چرا که زن بعد از تغییر جنسیت به مرد مشمول

مذکور در قانون مجازات اسلامی خواهد داشت یا خیر؟ برای مثال اگر جانی یا مجنی علیه قبل یا بعد از ارتکاب جنایت تغییر جنسیت بدهند، آیا در مواردی که تفاضل دیه وجود دارد، تغییر جنسیت در تعلق حکم مزاد دیه موثر است یا خیر؟ در بحث جنایت خطای محض آیا اگر یکی از بستگان ذکور نسبی (ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی) قبل یا بعد از جنایت، تغییر جنسیت بدهد از شمار عاقله خارج می شود یا خیر؟ در ادامه به بررسی این موارد می پردازیم.

#### (الف) تاثیر تغییر جنسیت در دیه شبه عمد

هرگاه شخصی مرتكب عملی گردد که مستلزم پرداخت دیه باشد، باید دیه مجنی علیه را پرداخت نماید، چرا که دیه حق الناس است و دلیلی بر معافیت آن وجود ندارد. حال اگر جانی یا مجنی علیه قبل از وقوع جرم، تغییر جنسیت داده باشند یا بعد از ارتکاب عمل مجرمانه تغییر جنسیت بدهند آیا تغییر جنسیت آنها تاثیری در پرداخت و دریافت دیه دارد یا خیر؟

#### ۱- (الف) جانی تغییر جنسیت بدهد

با توجه به مواد ۱۷ و ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی و سایر مواد مربوط به دیات در این قانون، به نظر می رسد که در مسأله دیات ظاهر آن است که تغییر جنسیت تأثیری در میزان دیه نخواهد داشت، زیرا جنسیت، موضوع تعلق دیه نیست بلکه دمه شخص است که دیه به آن تعلق می گیرد و از آن جایی که دیه از موارد حق الناس می باشد. پس از تغییر جنسیت نیز همان دیه بر عهده جانی است. براساس این مبنای هرگاه بر زنی جنایت بیش از ثلث دیه کامل وارد شود که به نصف بر می گردد و پس از آن مجنی علیه به جنسیت مرد تغییر پیدا کند، جانی مکلف به پرداخت نصف ثلث دیه خواهد بود نه ثلث، اگر چه بعضی احتمال داده اند که پس از تغییر جنسیت مجنی علیه به مرد، دیه کاهش نمی یابد. (۷)

#### ۲- (الف) مجنی علیه تغییر جنسیت دهد

اگر مجنی علیه تغییر جنسیت دهد، دیه جنایت وارد بر مجنی علیه بر مبنای جنسیت چه زمانی محاسبه می شود؟ آیا ملاک نوع جنسیت در زمان وقوع حادثه است یا زمان محکمه؟ در این مسأله دو احتمال وجود دارد: احتمال اول، این که پرداخت دیه براساس نوع جنسیت زمان وقوع حادثه باشد، لذا اگر مجنی علیه قبل از وقوع جنایت، زن بوده و تغییر جنسیت داده و به هنگام وقوع مرد شده، جانی باید دیه کامل یک مرد را به او پردازد. یا بالعکس مجنی علیه قبل از وقوع حادثه باشد، نصف دیه را به او پردازد. اشکالی که در این احتمال به نظر می رسد این که برخی از مصادیق آن (در صورت پرداخت دیه بیشتر) با اصول اولیه حقوقی و تفسیر به نفع متهم و به هنگام شک در پرداخت دیه میان اقل و اکثر باید اقل را ملحوظ کرد مغایرت دارد، علاوه بر آن مانع اجرای اصل استصحاب (لحاظ

حال بندگی صورت گرفته و بعد از آن آزاد شده است یا در حال کفر صورت گرفته و بعد از آن مسلمان شده است. آنچه مهم است این که جنسیت جانی و مجنی علیه در زمان وقوع جرم است هر چند جنسیت او بعد از آن تغییر یابد.

#### ج) وقوع جرم بعد از تغییر جنسیت به زن

ممکن است جرم ارتکابی بعد از تغییر او به زن شدن باشد و اجرای حکم نیز بعد از تغییر جنسیت به زن صورت گیرد در اینجا اشکالی وجود ندارد و احکام زن مشمول وی می گردد نه احکام مرد. (۳) بنابراین اگر مرد بعد از تغییر جنسیت به زن جنایتی را بر مردی وارد کند، جانی در مقابل مرد قصاص می شود اعم از این که مرتكب قتل نفس شده باشد یا غیر آن، و همین طور است، چنانچه جنایتی را بر زنی وارد نماید قصاص می شود بدون این که اولیاء دم مقتول چیزی به وی رد نمایند. اما اگر مرد بعد از تغییر جنسیت به زن مجنی علیه واقع شود و جانی یا قاتل مرد باشد، حکم‌ش همان گونه خواهد بود یعنی زن با مرد در دیه تا ثلث برابر می کند ولی زمانی که میزان دیه بیشتر از ثلث شد دیه زن نصف دیه مرد خواهد بود و همین گونه است در مورد قصاص، چرا که مرد در مقابل زن قصاص نمی گردد مگر بعد از رد نصف دیه و سایر احکام نیز چنین است.

### ۳- تغییر جنسیت و تأثیر آن در دیات

قانون مجازات اسلامی، قتل نفس را به سه نوع، عمد، شبه عمد و خطا تقسیم نموده است در صورت تحقیق قتل عمد، جانی مستحق قصاص است اما در صورت وقوع انواع دیگر قتل، جانی موظف به پرداخت دیه می باشد.

براساس ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در موارد زیر دیه پرداخت می شود: «در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی علیه یا ولی دم دیه پرداخت می شود. مگر به نحو دیگری مصالحة شود».

قانون گذار در ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می شود»؛ و براساس ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی: «دیه قتل زن، نصف دیه مرد است»؛ ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز اشاره می دارد: «دیه خنثای ملحق به زن، دیه زن و دیه خنثای مشکل، نصف دیه مرد به علاوه نصف دیه زن است.

تبصره- در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می شود».

سؤال این که، آیا تغییر جنسیت تأثیری در میزان دیه

تغییر جنسیت را در هر یک از جرایم مختص مردان و جرایم مختص زنان بررسی نماییم.

الف) تغییر جنسیت و تأثیر آن در جرایم مختص زنان در ذیل به جرایمی که مختص زنان بوده و در قوانین مختلف عنوان شده بیان و توضیحات لازم را ارائه خواهیم داد.

#### ۱-الف) عدم رعایت حجاب شرعی

یکی از جرایمی که تهها زنان را به عنوان مرتكبین جرم در بر می‌گیرد و مردان مشمول حکم آن نمی‌گردند، عدم رعایت حجاب شرعی است. تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتشار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

يعنى حجاب شرعی مذکور در تبصره ذیل ماده ۶۳۸ پوشاندن بدن غیر از صورت و دو دست تا مچ می‌باشد این ماده تنها در خصوص حجاب و پوشش شرعی زنان وضع شده است و علیرغم وجود پوشش و حجاب شرعی برای مردان در شرع، قانون م تعرض آن نشده است.

سئوالی که در این جا مطرح است این که، تغییر جنسیت چه تأثیری بر حجاب شرعی شخص تغییر جنس داده خواهد گذاشت؟ آیا زن با تغییر جنسیت به مرد از تحت شمول ماده فوق الذکر خارج می‌گردد یا خیر؟

در پاسخ باید گفت که زن بعد از تغییر جنسیت به مرد، مشمول احکام مردان خواهد شد در واقع او مردی است مانند سایر مردان، لذا احکام زنان در مورد وی منتفی است و زن ملزم به رعایت حجاب شرعی در مقابل مردان نامحرم نبوده و نگاه کردن به او جایز می‌باشد. (۳) هرچند عده ای در مورد تغییر جنسیت زن به مرد در این مورد، ملاک را زمان وقوع جرم دانسته و قائل به مجازات شخص می‌باشند؛ (۴) اما به نظر می‌رسد مطابق قاعده «درآ» در این موارد بایستی شبه را جاری دانسته و چنین شخصی را مجازات ننمود.

هم چنین است در تغییر جنسیت از مرد به زن، که رعایت حجاب شرعی در مقابل مرد بیگانه بر او واحب می‌گردد چرا که با تغییر جنسیت در تمام احکام، مشمول احکام زنان خواهد بود. (۴) بنابراین، زن با تغییر جنسیت به مرد از تحت شمول ماده مذکور خارج شده و مرد با تغییر جنسیت به زن، و در صورت عدم رعایت حجاب شرعی، با استناد به ماده مذکور قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

۲-الف) خود را به عقد دیگری درآوردن در زمان زوجیت یا عده

ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «کسانی که عالمًا مرتكب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

- ۱ - هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را

کردن وضعیت زن سابق) می‌شود. احتمال دوم این که پرداخت دیه براساس جنسیت زمان محاکمه باشد. لذا اگر مجنی علیه به هنگام وقوع حادثه مرد بوده و با تغییر جنسیت و به هنگام محاکمه زن شده است، جانی باید دیه یک زن را به او پردازد یا اگر به هنگام وقوع جنایت زن بوده و با تغییر جنسیت و به هنگام محاکمه مرد شده است، جانی باید دیه یک مرد را به او پردازد. استدلال آن این است که اولاً با تغییر جنسیت فرد به جنسیت جدید ملحق می‌شود و عرف، زن تغییر جنسیت داده را مرد می‌داند و بالعکس. ثانیاً ملاک زمان مطالبه خواهان است؛ زیرا چنان چه شخص بیماری که تغییر جنسیت برای او به تشخیص پزشکان ضروری بوده و وی به طور قانونی و با رعایت استانداردهای پزشکی تغییر جنسیت می‌دهد، با تغییر جنسیت در جنسیت جدید قرار می‌گیرد و بر اساس جنسیت جدیدش دیه دریافت می‌کند. (۱۰) به عبارت دیگر از جمله حقوقی که فرد بر اساس جنسیت جدید از آن برخوردار می‌شود در حالی که در گذشته به اعتبار جنسیت سابق نمی‌توانسته از آن حقوق بهره مند شود، مقدار دیه است که به اعتبار جنسیت جدید زمان مطالبه خواهان محاسبه می‌شود. (۱۱) هرچند که دو اشکال مذکور در احتمال اول (متغیرت با تفسیر به نفع متهم و مانع اجرای اصل استحصال) در اینجا نیز وجود دارد. (۱۲)

#### ب) تأثیر تغییر جنسیت در دیه خطای محسنه

یکی از فروعات دیه اثر تغییر جنسیت بر مسئولیت عاقله است؛ ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری بهتر ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند». سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر زنی تغییر جنسیت دهد، در شمار عاقله قرار می‌گیرد یا خیر؟

کسی که تغییر جنسیت می‌دهد بعد از آن که به جنسیت جدید ملحق شد، شرایط جنس جدید برای او لازم الاجراست. با توجه به قاعدة فقهی «من له الفتن فعلیه الغرم» اگر زنی تغییر جنسیت دهد، همان گونه که فایده های جنس ذکور را دارا می‌شود، باید خسارتری را که از تغییر جنسیت ممکن است پیش آید را نیز متحمل شود. (۱۲)

#### ۴- تغییر جنسیت و تأثیر آن در تعزیرات

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تعزیر را این گونه تعریف می‌کند: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد...».

کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی با عنوان تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده به تعیین این مجازات‌ها می‌پردازد در بررسی این بخش از قانون مجازات اسلامی جرایمی وجود دارد که برخی از آن‌ها به مردان و برخی به زنان اختصاص دارد و با تغییر جنسیت از زن به مرد یا از مرد به زن ضروری است، تأثیر

ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

همان طور که می‌دانیم زنان و اطفال به دلیل خصوصیات روحی و جسمی خویش بیشتر از مردان در معرض آسیب قرار داشته و از قدرت دفاع کمتری نسبت به مردان برخوردار هستند به همین دلیل قانون گذار در جهت حمایت بیشتر از آنان، توهین و تعرض به اطفال و زنان را در ماده جداگانه‌ای پیش بینی کرده و مجازات شدیدتری را برای آنان قرار داده است در این ماده توهین نسبت به مردان به عنوان عنصر مادی این جرم جایگاهی نداشته و به این ترتیب توهین به مردان مشمول ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات می‌گردد.

این ماده در مقام بیان فاعل جرم از کلمه «هرکس» استفاده کرده، لذا هر کس هم شامل مردان و هم شامل زنان می‌شود. اطلاق این ماده نیز بیانگر آن است که اگر زنی هم، در اماکن عمومی و معابر متعرض و مزاحم زن دیگر یا طفلی شود، مشمول حکم این ماده می‌شود اما از آن جایی که زنان و اطفال اغلب مورد اذیت و آزار و مزاحمت مردان قرار می‌گیرند تفسیر منطقی این ماده مقتضی آن است که کلمه هر کس را منصرف به مردان بدانیم. (۱۴)

علاوه بر این در رویه دادگاه‌ها نیز عموماً توهین اگر از سوی زنی نسبت به زن دیگر صورت گیرد مشمول ماده ۶۰۸ قانون فوق الذکر قرار می‌گیرد. البته قابل ذکر است تغییب مصارنه را نیز از مصاديق مزاحمت دانسته‌اند (۱۵) هم چنین اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۴/۴۸۹۵-۱۰/۱۳۷۳۸ در پاسخ به این سؤال مقرر داشته: «هرگاه مسلم شود مردی به قصد مزاحمت در اماکن عمومی یا معابر، زنی را تغییب کرده و عرفانه عنوان مزاحمت بر آن صادق باشد عمل ارتکابی، مشمول صدر ماده ۳ لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو خواهد بود و در این مورد فرقی بین این که لفظی یا الفاظی به کار ببرد یا نه، نیست».

در تغییر جنسیت، اگر مردی جنسیت خود را به زن تغییر دهد از احکام مردان خارج می‌شود. چنانچه بعد از تغییر جنسیت، کسی در اماکن عمومی یا معابر متعرض وی گردد و یا به وی توهین نماید، از آن جایی که بعد از تغییر مشمول احکام زنان است، مانند موارد گذشته، احکام زنان در مورد وی اجرا و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهد شد.

هم چنین اگر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد مرتکب این جرم شود چون با تغییر جنسیت از احکام زنان خارج شده، عمل وی به لحاظ تحقیق جرم مذکور قابل مجازات خواهد بود. ولی در جایی که مرد بعد از تغییر جنسیت به زن به زن دیگر، توهین یا مزاحمت ایجاد کند یا زن بعد از تغییر جنسیت به

به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به موقعه نگردد...». براساس قواعد فقهی، اگر زنی مدعی شود که شوهر ندارد و یا در عده وفات یا طلاق نیست، قول او بدون بینه پذیرفته می‌شود. حال اگر زن و مرد هر دو معتقد به پایان عده باشند یا ازدواج خود را صحیح بدانند ولی بعداً مشخص شود که این ازدواج باطل بوده، عمل آن‌ها جرم نیست و در صورت موقعه نیز وطی به شببه صورت گرفته است؛ اما اگر زن آگاه باشد که شوهر دارد و یا در عده به سر می‌برد اما خود را به نکاح مرد دیگری درآورد مرتکب جرم شده است و مطابق قانون، مجازات می‌شود. چنین نکاحی نیز باطل بوده و هیچ اثر شرعی از حیث ایجاد علقة زوجیت بر آن بار نمی‌شود. حکم این ماده تا موقعی است که ازدواج زن شوهردار منجر به موقعه نگردد. اگر این ازدواج منجر به موقعه شود، بحسب شرایط زنای محضنه محسوب و بر هر کدام که آگاهانه اقدام به این امر کرده باشند حد زنا جاری خواهد شد. بدیهی است اگر زن و مرد هر دو عالمانه مرتکب این جرم شوند، هر دو مجازات خواهند شد.

حال اگر زنی در زمان زوجیت یا عده جنسیت خود را تغییر دهد و با دیگری ازدواج کند، آیا عمل وی مطابق با ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات جرم و قابل مجازات خواهد بود؟

با توجه به آنچه که در بحث مربوط به عده گفته شد، اگر زن در زمان عده جنسیت خود را تغییر دهد، عده ساقط می‌شود حتی اگر عده وفات باشد. بنابراین چنانچه زن در زمان عده، جنسیت خود را تغییر دهد و با شخص دیگری ازدواج نماید، اقدام وی جرم نبوده و قابل مجازات خواهد بود.

اما در خصوص زوجیت، اگر زن و مرد هر دو به صورت غیر هم زمان جنسیت خود را تغییر دهند یا زن به تنها بی جنسیت خود را تغییر دهد، عقد نکاح از زمان تغییر باطل می‌شود حتی اگر بعد از تغییر، دیگری جنسیت خود را تغییر دهد علقة زوجیت حاصل نمی‌شود. در دو حالت فوق، اگر زن بعد از تغییر به مرد با فرد دیگری ازدواج نماید از آن جایی که با تغییر جنسیت، احکام مردان در مورد وی اجرا خواهد شد. لذا عمل وی مشمول ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات نبوده و جرم محسوب نمی‌شود.

بحث در جایی است که زوجین به صورت هم زمان جنسیت خود را تغییر دهند، هر چند بعضی از فقهاء معاصر معتقدند که ازدواج سابق از بین رفته است. (۱۶) برخی نیز گفته اند بعید نیست ازدواج سابق هم چنان باقی باشد و زن فعلی که قبل از مرد بوده با دیگری ازدواج نکند مگر این که از همسر سابق با طلاق جدا شود. (۱۷)

ب) تغییر جنسیت و تأثیر آن در جرایم مختص مردان در این قسمت به جرایم مختص مردان پرداخته و توضیحات لازم را ارائه خواهیم داد.

۱-۱) ایجاد مزاحمت برای بانوان

مانند سابق از وی تمکین خاص داشته باشد بلکه مطلقاً حرام است؛ خواه کمتر از روابط زناشویی باشد خواه بیشتر، زیرا عمل جنسی بین دو زن است.

ممکن است این مسأله به ذهن متبار شود این است که، امکان اثبات اکثر این احکام از طریق استصحاب وجود دارد؛ زیرا این فرد متصف به صفت انسان است (با هر جنسیتی که باشد) همان گونه که قبلاً مرد و متصف به این صفت بوده است. در پاسخ باید گفت که بطلاً این فرضیه واضح است؛ زیرا استصحاب فقط زمانی جاری می‌شود که احتمال استمرار حکم وجود داشته باشد. اما با وجود علم به تبدیل و تغییر حکم با تغییر موضوع آن حکم، قطعاً جایی برای استصحاب نیست و این امر شامل اکثر، بلکه تمام احکام زوحیت است. (۳)

نتیجه این که، با تغییر جنسیت شوهر، چون امکان تمکین از همسر سابق (زن فعلی) وجود ندارد لذا مستحق نفقة نیز نمی‌باشد و از آن جایی که مرد با تغییر جنسیت داخل در احکام زنان است از تحت شمول ماده خارج شده و در صورت امتناع از پرداخت نفقة، قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

سؤال دیگر این که، اگر زنی جنسیت خود را به مرد تغییر دهد و بعد از آن با زن دیگری ازدواج نماید آیا ملزم به پرداخت نفقة همسر خود خواهد بود یا خیر؟ در صورت عدم پرداخت، فعل وی مشمول عنوان مجرمانه ترک نفقة می‌شود یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا بلافصله پس از وقوع نکاح زوجه حق مطالبه نفقة و تعقیب را دارد؟ رابطه زوجیت بین او و شوهرش بدون نیاز به طلاق باطل می‌گردد و طبیعتاً تمکین جنسی وی از شوهرش نیز جایز نمی‌باشد و به دلیل جایز نبودن تمکین، مستحق نفقة نیز نخواهد بود. ممکن است گفته شود، امکان اثبات بعضی از این احکام به وسیله استصحاب وجود دارد مانند وجود نفقة و حق حضانت. اما این سخن صحیح نیست زیرا موضوع این احکام زن است در حالی که این شخص در حال حاضر زن نیست و به تعبیر صحیح‌تر، موضوع وجود نفقة، زوجیت است در حالی که این زن در حال حاضر همسر این مرد نیست و موضوع حق حضانت، مادر بودن است و در زمان حال، این زن مادر نیست و با خروج قطعی موضوع، جایی برای استصحاب وجود ندارد. (۴)

در این مورد عده ای معتقدند که اگر زن تغییر جنسیت بدهد و عمل تغییر جنسیت بدون اجازه شوهر و مزاحم حق شوهر از قبیل لذت بردن از او و مانند آن باشد خروج از اطاعت شوهر و داخل در عنوان نشوز است و نشوز به حکم آیه ۳۴ سوره نساء حرام و مانع تحقق نفقة می‌باشد. (۱۲) اما عده ای دیگر مثل آیت الله فاضل لنکرانی گفته اند: اگر زن جزء کسانی باشد که تغییر جنسیت برای آنان واجب است در این صورت تغییر جنسیت زن نیازی به اذن شوهر ندارد. (۱۷) بنابراین چنانچه اختلال هویت جنسی، زن را در حالت اضطرار و سردرگمی قرار داده باشد به طوری که زن چاره ای جزء

مرد، مرتكب چنین اعمالی نسبت به مرد دیگر شود، مشمول ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات خواهد شد.

## ۲-ب) ترک اتفاق

یکی از مواد قانون مدنی که در جهت حمایت از زنان و یا حفظ مبانی خانواده، ضمانت اجرای جزایی پیدا کرده و از طریق قانون مجازات اسلامی نیز مورد حمایت قرار گرفته است، ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی است. این ماده مقرر می‌دارد: «در عقد دائم نفقة زوجه به عهده شوهر است».

مبنی در جهت حمایت هر چه بیشتر از زنان و حفظ و نگهداری بنای خانواده، ترک اتفاق را به عنوان یکی از جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی بر شمرده و برای آن ضمانت اجرا قرار داده است. در خصوص ترک اتفاق ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و تبصره آن مقرر می‌دارد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقة زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدية نفقة سایر اشخاص واجب النفقة امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. تبصره - امتناع از پرداخت نفقة زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقة فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است».

در این ماده از «هرکس» به عنوان فاعل و مرتكب جرم نام برده شده است اما از آن جایی که مطابق قانون مدنی پرداخت نفقة زن بر عهده مرد است و نیز پرداخت نفقة اولاد نیز به عهده پدر است باید کلمه «هرکس» را منصرف به مردان بدانیم، اگر چه در صورت نبود پدر یا اجداد پدری نفقة فرزندان به عهده مادر است و مادر نیز می‌تواند مرتكب جرم ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده قرار گیرد.

شعبه ۲ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۳۹۵ خود می‌گوید: «چون مادر سمت ولایت ندارد تعقیب کیفری متهم در مورد ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات (ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱) برای ترک اتفاق طفل می‌باشد طبق ماده واحد مصوب ۱۳۱۶ راجع به تعیین قیم اتفاقی به عمل آید و نمی‌توان به شکایت مادر که به سمت قیم اتفاقی معین نشده ترتیب اثر داد». (۱۶)

حال اگر مردی جنسیت خود را به زن تغییر دهد آیا بعد از تغییر ملزم به پرداخت نفقة همسر سابق خود خواهد بود یا خیر؟ در صورت خودداری از پرداخت نفقة آیا زن می‌تواند با استناد به ماده مذکور، تعقیب قانونی وی را از دادگاه تقاضا نماید؟

اگر یکی از زوجین جنسیت خود را تغییر دهد، از زمان تعییر، علقة زوجیت بین آن‌ها بدون نیاز به طلاق باطل می‌گردد و به عبارتی رابطه زوجیت قطع شده و بر همسرش لازم نیست

به عبارت دیگر، اگر نکاح منجر به نزدیکی شود و نزدیکی به صورت زنا باشد، فقط مجازات زنا اعمال می‌شود اما اگر رابطه نامشروع برقرار گردد مجازات ماده ۶۴۴ اعمال خواهد شد و اعمال تعدد مجازات موضوع ماده ۶۳۷ منتفی است. (۱۴) سوال این که، اگر مرد بعد از تغییر جنسیت به زن، مرتكب چنین عملی شود آیا مجازات فوق در مورد وی اعمال می‌شود یا خیر؟ با توجه به این که مرد بعد از تغییر جنسیت به زن از احکام مردان خارج می‌شود لذا اگر مرتكب چنین عملی شود از آن جایی که از نظر فقه شیعه و قانون مدنی ازدواج با هم جنس مشروع نیست ازدواج آنها باطل می‌باشد. اما اگر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد، زن شوهردار یا در عده دیگری را به عقد خود درآورد به لحاظ این که بعد از تغییر مشمول احکام مردان می‌شود، فعل وی مشمول عنوان مجرمانه مذکور در ماده فوق بوده و قابل مجازات خواهد بود.

#### ۴- ب) عدم ثبت ازدواج دائم، طلاق و رجوع

نکاح، طلاق و رجوع از وقایع مهمی است که ثبت رسمی هر کدام از آن‌ها الزامی است. ثبت رسمی هر یک از این امور علاوه بر این که در رابطه با اثبات ادعاهای مختلف زوجیت و انکار آن، ادعای چند نفر راجع به یک نکاح و نکاح در عده و موارد مشابه فواید زیادی دارد، در جهت حمایت از خانواده و زنان نیز نقش مهمی ایفاء می‌کند به همین دلیل از دیرباز تدابیر قانونی برای الزام مردان به ثبت واقعه نکاح اندیشه شده است. از جمله ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که مقرر می‌دارد: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقع الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت افساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.».

با توجه به آنچه گفته شد، اگر مرد بعد از تغییر جنسیت به زن با فرد دیگری ازدواج نماید از آن جایی که بعد از تغییر جنسیت به زن مشمول احکام زنان می‌شود و ماده فوق الذکر نیز مسئولیت ثبت این وقایع را بر عهده مردان قرار داده، بنابراین زنان در این خصوص وظیفه و مجازاتی نخواهند داشت. اما در عکس حالت فوق، مرد فعلی در صورت ازدواج دائم، طلاق و رجوع ملزم به ثبت واقعی مذکور بوده و در صورت تحقق جرم، مجازات مقرر در ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده در مورد وی اعمال خواهد شد.

#### ۵- ب) ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی

از نظر قوانین و مقررات مدنی، ازدواج دختر غیر بالغ ممنوع است، مگر این که شرایطی خاص برای این کار وجود داشته باشد. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نکاح قبل از بلوغ

تغییر جنسیت نداشته باشد و پزشکان نیز عمل تغییر جنسیت را تنها راه معالجه زن و برای درمان وی ضروری دانسته در این صورت چنانچه تغییر جنسیت زن، منافات با حق شوهر هم داشته باشد جایز است و خروج از اطاعت شوهر و مشمول عنوان نشوز نمی‌گردد. اگر مرد تغییر جنسیت بددهد باید توجه داشت که فقهاء عظام از جمله امام خمینی بر این باورند که: اگر مردی، زنی را تزویج کند سپس جنس مرد تغییر پیدا کند و زن شود از وقت تغییر، تزویج باطل می‌شود (۱۳). زیرا بعد از تبدیل شدن مرد به زن ممکن نیست که زوجیت باقی باشد؛ چرا که ازدواج مرد با مرد یا زن با مماثل خود مشروع نیست. بنابراین ازدواج به خاطر باقی نبودن موضوعش باطل و منحل می‌گردد. (۱۸) وقتی که با تغییر جنسیت نکاح باطل می‌شود، لذا از آن پس دیگر نفقه ای به زن تعلق نمی‌گیرد، البته نفقه گذشته زن از آن نمی‌رود و نفقه حقی است که زن کسب کرده و هم چنان با تغییر جنسیت مرد این حق برای زن باقی است.

علاوه بر موارد ذکر شده، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۶۲۱ - ۷ / ۱۳ - ۷ / ۲۲ / ۷۳ مقرر داشته است: «مطابق با ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی همین که نکاح به نحو صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین به وجود آمده و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود. بنابراین به محض وقوع نکاح هم زوج حق دارد تمکین زوجه را بخواهد و هم زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت.»

#### ۳- ب) تزویج زن شوهردار یا در عده دیگری

برای جلوگیری از اختلاط نسل، یک زن نمی‌تواند بیش از یک شوهر داشته باشد. به همین دلیل قانون مدنی، عقد زن شوهردار را باطل دانسته و در ماده ۱۰۵۰ مقرر می‌دارد: «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقة زوجیت و حرمت نکاح یا زنی را که در عده طلاق یا عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلق ابر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.».

ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات به عنوان ضمانت اجرای ماده فوق الذکر برای هر کسی که زن شوهردار یا زنی که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید، در صورتی که منتهی به موقعه نشود مجازات شش ماه تا دو سال حبس یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی را قرار داده است، اگرچه در این ماده نیز از کلمه «هر کس» به عنوان مرتكب این جرم نام برده شده است ولی منظور هر مردی است که مرتكب چنین عملی گردد. مقتنن در این ماده بین انواع عده (رجعی یا بائی)، عقد رسمی یا غیر رسمی نیز تفاوتی قائل نشده است. البته بدیهی است حکم این ماده تا موقعی است که موقعه ای صورت نگرفته باشد که در این صورت زنای محسنه محسوب گردیده و بر هر کدام که آگاهانه اقدام به این امر نموده باشند حد زنا جاری خواهد شد.

این قانون و آئین نامه‌های مربوط به آن مشمولان خدمت وظیفه عمومی در صورت غیبت و یا فرار از خدمت بر حسب نوع و مدت غیبت یا فرار به مجازات محکوم می‌گردد. حال اگر مردی دارای تمایلات روانی جنس مخالف بوده و از انجام خدمت وظیفه عمومی غیبت یا فرار نموده باشد و بعد از آن اقدام به تغییر جنسیت خویش کند، آیا مانند گذشته مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی است یا خیر؟ اگر زنی جنسیت خود را به مرد تغییر دهد آیا بعد از تغییر مشمول ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی خواهد بود؟

در پاسخ باید گفت، افراد ترانس سکسوال یا به عبارتی مبتلایان به اختلالات هویت جنسی مطابق با بند ۸ ماده ۳۳ آئین نامه معاينه و معافیت پزشکی مشمولان خدمت وظیفه عمومی از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف بوده و معافیت آنان به صورت دائم می‌باشد.

ماده ۳۳ آئین نامه مذکور مقرر می‌دارد: «مشمولان مبتلا به بیماری‌های روان‌پزشکی با توجه به نوع بیماری که به آن مبتلا می‌باشند از معافیت‌های مندرج در هر بند به شرح زیر استفاده خواهند نمود:

بند ۸ - اختلال رفتار (عدم تعادل عصبی و روانی) و کژخوئی‌ها به طوری که مغایر شیوه‌نامه نظامی باشد. هم چنین انحرافات اخلاقی و جنسی مانند ترانس سکسوالیسم. معاف دائم».

نتیجه این که، مبتلایان به اختلالات هویت جنسی، در صورت فرار یا غیبت از خدمت وظیفه عمومی، قابل تعقیب و مجازات نخواهند بود.

## نتیجه گیری

تغییر جنسیت افراد مذکور علاوه بر آثار حقوقی، موجب پیدایش آثار جزایی نیز می‌باشد، چرا که جرایمی وجود دارند که به دلیل نوع جرم، فاعل جرم فقط یکی از دو جنس مذکور و مومن است و در صورت تغییر ممکن است نوع جرم ارتکابی و مجازات آن نیز تغییر کند، حتی ممکن است وصف مجرمانه عمل از بین برود که می‌توان به تاثیر تغییر جنسیت در جرایم حدی اشاره کرد، در اجرای مجازات حد شخص تغییر جنس داده دو حالت مطرح می‌شود حالت اول این که جنسیت زمان ارتکاب جرم را ملاک و مبنای برای اجرای مجازات حدی در نظر بگیریم و دلیل آن را نیز استصحاب کنیم در این صورت حد ساقط نشده و اجرا خواهد شد. در حالت دوم جنسیت جدید را ملاک و مبنای برای اجرای اجرای مجازات حدی قرار دهیم و در این صورت بعضی از جرایم مستوجب حد وجود دارد که مجازات آن بین زن و مرد متفاوت است. در واقع نسبت به یک جنس شدیدتر است مثل مجازات جرم قوادی، که با تغییر جنسیت این مجازات نسبت به شخص تغییر جنس داده شده تشدید خواهد شد. لذا در این حالت قاعده «درا» جاری نموده و حد

ممنوع است؛ اما در تبصره آن، این نکاح با شرایطی صحیح دانسته شده است.

مطابق تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد. به این ترتیب نکاح قبل از بلوغ موجب بطلان عقد نکاح است مگر این که اجازه ولی دختر، با رعایت مصلحت او در این خصوص صادر شود.

قانون گذار در ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ این عمل را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده است. ماده ۵۰ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به موقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود. تبصره هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است».

حال، اگر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد، اقدام به ازدواج با دختری نابالغ نماید بدون این که از ولی او اذن داشته باشد. از آن جایی که با تغییر جنسیت مشمول احکام مردان است و قانون گذار نیز ازدواج با دختر نابالغ را بدون اذن ولی مطابق با ماده فوق الذکر جرم دانسته است. لذا فعل ارتکابی وی مشمول عنوان مجرمانه بوده و قابل مجازات خواهد بود.

## ۶-ب) غیبت و فرار از خدمت وظیفه عمومی

ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی مقرر می‌دارد: «دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می‌باشند و هیچ فرد مشمول خدمت وظیفه عمومی را جز در موارد مصرحه در این قانون نمی‌توان از خدمت معاف کرد».

به این ترتیب در جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، کلیه افراد ذکور ایرانی موظف به گذراندن دوره‌ای به نام دوران خدمت وظیفه عمومی هستند و از آن جا که بانوان از انجام این وظیفه معاف می‌باشند در این خصوص مرتكب جرمی نمی‌گردد، اما ذکور در صورت عدم مراجعت به موقع برای انجام خدمت سربازی و غیبت و یا فرار از خدمت، مرتكب جرم شده و مجازات می‌گردد.

فصل هفتم از قانون خدمت وظیفه عمومی به بیان جرایم و مجازات‌های مشمولان وظیفه عمومی اختصاص دارد و براساس

چنین اگر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد جانی مجنی علیه واقع شود، در قصاص و دیه مشمول احکام مردان خواهد بود. صورت دیگر، تغییر جنسیت از مرد به زن می‌باشد که اگر مرد قبل از تغییر جنسیت به زن جانی واقع شود یا مجنی علیه، جنسیت زمان ارتکاب جرم و ملاک و مبنا برای اجرای مجازات خواهد بود و مشمول احکام مردان خواهد شد. اما اگر جرم را قبل از تغییر جنسیت به زن مرتکب شده، بنابر اصل استصحاب و اطلاع، احکام مردان در مورد وی جاری خواهد شد. چرا که جرم در زمان مرد بودن وی صورت گرفته است. لذا آنچه مهم است جنسیت جانی و مجنی علیه در زمان ارتکاب جرم است هر چند او بعد از آن تغییر یابد و اگر بعد از تغییر جنسیت به زن جانی یا مجنی علیه واقع شود مشمول احکام زنان خواهد بود.

تغییر جنسیت در جرایم مختص زنان و مردان نیز مؤثر خواهد بود، با تغییر جنسیت از مرد به زن، زن فعلی داخل در احکام زنان خواهد بود و همین طور زن بعد از تغییر جنسیت به مرد. بنابراین در صورت ارتکاب جرم، تابع آثار و احکام جنسیت جدید خواهد بود.

### سپاسگزاری

بدین وسیله از تمامی کسانی که در انجام این تحقیق کمک و مساعدت داشته، کمال تشکر را دارم.

را ساقط نماییم. اما در خصوص اجرای مجازات حدی، کیفیت اجرای حد مبتنی بر جنسیت جدید خواهد بود.

در قصاص، اگر زن قبل از تغییر جنسیت به مرد مرتکب جرم مستوجب قصاص یا دیه شود و حکم مجازات نیز صادر شود، جنسیت زمان ارتکاب جرم ملاک و مبنا برای اجرای مجازات خواهد بود و همین طور زمانی که زن بعد از تغییر جنسیت به مرد مرتکب جرم مستوجب قصاص یا دیه شود یا مجنی علیه واقع شود.

اما اگر زن قبل از تغییر جنسیت به مرد، مرتکب جرم مستوجب قصاص یا دیه شود قبل از صدور حکم، جنسیت خود را به مرد تغییر دهد، در این صورت اگر مرتکب قتل مردی شده باشد حکم آن پس از تغییر جنسیت تفاوتی نخواهد کرد و زن بعد از تغییر جنسیت به مرد، در مقابل مرد قصاص می‌شود اما اگر زن مرتکب قتل زنی شده باشد و قبل از صدور حکم تغییر جنسیت داده باشد در مورد این که آیا در مقابل قتل زن، بدون رد شود اختلاف نظر وجود دارد. اما اگر زن قبل به وی چیزی رد شود احتلاف نظر وجود نداشت. اما اگر زمان از تغییر جنسیت به مرد، مجنی علیه واقع شود، اگر زمان ارتکاب جرم مستحق نصف دیه بوده بعد از تغییر جنسیت نیز اصل استصحاب و نیز اصاله البرائه، اقتضای عدم ازدیاد و اضافه شدن بر این مقدار را پس از تبدیل شدن به مرد می‌کند و در واقع اصل بر برائت ذمه جانی از پرداخت مزاد دیه است. هم

## References

- Mohaghegh Damad M. Rules of Jurisprudence: Section of Criminal law. Vol.4. Tehran: Publishing Center of Islamic Sciences; 2012. 34.
- Abaszadeh R, Asadi A, Ganji MH. The effects of Tran's sexuality in crimes and punishments. 2013; 46(2). 299-320.
- Sadr M. Mavare Fegh. Vol.6. Birot: Dar olzae; 1417. 137-144.
- Hor Ameli M. Vasaal Al Shia. Vol.18. Qom: Aal Al Beit Institute; 1993. 447.
- Kharazi M. Sexuality Change. J Islamic feqh. 2000; 23(6). 104-147.
- Almasi NA. Conflict of Law. Tehran: Center for Academic Publishing; 1999. 107
- Ghodsi I, Mirhoseini Amiri K. Sexuality Change in Criminal Commandments. J jurisprudence and Islamic law. 2016; 43(12). 121-144.
- Azimi F. Nature of Sexuality Change and its Criminal effects [dissertation]. Qom: faculty of Law; 2008.
- Khoei AQ. Principles of Takmelat Almenhaj. Vol.42. Qom: Imam Alkhoei Press; 2004. 34-35.
- Kalantari K, Ebrahimi N, Jurisprudence and Legal Review of Transition and Criminal Responsibility, J Allameh. 2011; 32(11). 125-154.
- Bariklo AR. The Legal of effects Sexuality Change. J Modares University of Humanities. 2004; 8(3). 107-130.
- Momen Ghomi M. kalamat Sadideh Fi Masael Jadid; Qom: Institute of Islamic publishing; 1994. 110
- Khomeini SR. Tahrir Al Vasileh. Vol.2. Tehran: Institute for the Setting up of Imam Khomeini Works; 1942. 597.
- Zerat A, Description of Islamic Criminal Code. Vol.2. Tehran: Qoqnu; 2003. 322.
- Pad I. Specific Criminal Law. Vol.2. Tehran: University of Tehran Press; 1973. 340.
- Keshavarz B. Collection of Law of Tazirat. Tehran: Ganje Danesh Press; 1999. 65.
- Khodadadi GH. Doctors and Patients' Orders, Qom: The Islamic Law Center of Imams. 2002. 141.
- Mosavi Bojnourdi MH. Ghavaed al Feghieh. Qom: Esmaileian Institute; 1992. 31.